

بررسی مشروعیت کاهش جنین از منظر فقه اسلامی با نگاهی بر

اهمیت مسئله افزایش جمعیت

کبری پور عبدالله^{۱*}، فاطمه اسلامی^۲

۱- استادیار رشته فقه و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول)

Poorabdollah@isu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

fateme.eslami97@yahoo.com

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۱۰/۳]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۱۰/۱۱]

چکیده

روش‌های نوین باروری قدمی مثبت و مهم در جهت درمان ناباروری و کمک به افزایش جمعیت برداشته است و به‌نوعی موجبات تحکیم خانواده را فراهم آورده است، لیکن در میان روش‌های متعدد درمان ناباروری و همچنین در خلال انجام امور پزشکی گاه‌آ تلخیص متعدد جنین‌ها شرایط سختی را موجب می‌شود که زوجین را ملزم به کاهش جنین می‌کند. حال پرسش اینجاست آیا کاهش جنین از نظر فقهی مشروعیت دارد؟ آیا فدا شدن جنینی به نفع جنین دیگر صحیح است؟ آیا کاهش جنین هدف افزایش جمعیت کشور و مصلحت جامعه را به خطر نمی‌اندازد؟ در این مقاله بر آنیم تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به سؤالات مذکور پاسخ دهیم و مشروعیت یا عدم مشروعیت کاهش جنین را بررسی نماییم و مصلحت‌های موجود در این امر را واریسی کنیم. آنچه به نظر می‌رسد آن است که از منظر فقه اسلامی کاهش جنین مشروعیت داشته و مبتنی بر قواعد فقهیه از جمله قاعده «اخذ الضررین» می‌توان به این نتیجه رسید که حفظ حیات مادر و کاهش جنین دارای مصلحت بیشتر و ضرر کمتر است.

واژگان کلیدی: کاهش جنین، باروری چندقلویی، تعدد جنین، تلخیص مصنوعی.

۱- مقدمه

امروزه روش‌های نوین باروری توانسته است مشکلات نازایی بسیاری از زوجین را مرتفع نماید و حیاتی نو به خانواده‌ها ببخشد و از سوی دیگر کمک شایانی به مسئله افزایش جمعیت نماید. لکن آنچه متخصصین و خانواده‌های مذکور را در خلال درمان‌های ناباروری با شرایطی ویژه روبرو می‌کند تعدد جنین‌های لقاح یافته و مسئله چندقلو زایی است. چندقلو زایی همان‌قدر که می‌تواند اتفاقی دل‌چسب باشد همان‌قدر نیز ممکن است خطراتی را برای مادر و سایر جنین‌ها پدید آورد. در این راستا متخصصین پزشکی و درمان‌های ناباروری راه‌حل کاهش جنین را ابداع کرده‌اند. راه‌حلی که بدان وسیله جنین‌های دارای مشکلات ژنتیکی و یا جنین‌های اضافی حذف می‌شوند.

مبتنی بر ماده واحده قانون سقط درمانی، سقط با تشخیص قطعی سه پزشک به علت عقب‌افتادگی و ناقص‌الخلقه بودن جنین که موجبات حرج مادر را فراهم می‌آورد چنانچه قبل از ولوج روح باشد با رضایت زن مجاز است؛ اما کاهش جنین امری متفاوت از سقط درمانی است زیرا در سقط، جنین دارای مشکل و ناقص‌الخلقه از بین می‌رود اما در کاهش جنین‌هایی از بین می‌روند که از جهت سلامت تفاوتی با سایرین ندارند.

کاهش جنین در لغت به معنای تقلیل جنین می‌باشد و در اصطلاح فنی اشاره به تکنیکی دارد که پزشک متخصص برخی از جنین‌های متعدد را که بر اثر مصرف داروهای محرک تخمدان و آزاد شدن تعداد متعددی تخمک، یا در اثر انتقال جنین‌های متعدد، جهت افزایش شانس باروری به رحم زن صورت گرفته است را به منظور حفظ حیات مادر و جنین مدنظر از بین می‌برد.

موضوع پژوهش حاضر آن است که آیا از بین بردن چند جنین از میان سایر جنین‌ها به جهت حفظ حیات مادر دارای مشروعیت است یا خیر؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

۱-۲- حکم فقهی کاهش جنین

دیدگاه‌های متعددی در خصوص کاهش جنین وجود دارد و فقها و فقه پژوهان از جهات مختلف آن را بررسی نموده‌اند. در پژوهش حاضر نظرات و دیدگاه‌های متعدد در سه دسته ارائه شده است: اصل، حکم اولی، حکم ثانوی.

۲-۲- اصل

۲-۲-۳- اصل برائت

اگر فرض شود در منابع اسلامی هیچ دلیل فقهی برای اثبات مشروعیت یا عدم مشروعیت کاهش جنین وجود ندارد اصل بر برائت است؛ یعنی هرگاه مکلف به واسطه نبود دلیل، مبهم بودن دلیل و یا تعارض میان چند دلیل تردید کند از منظر بسیاری از علما می‌تواند به اصل برائت رجوع کند (مشکینی، ۱۴۱۳). اصلی که حکم جواز کاهش جنین را به دنبال دارد.

۲-۲-۴- اصل احتیاط

در برابر اصل برائت برخی دیگر بر این باورند که در احکام مرتبط به مسائل زناشویی (فروج) و مسائل مرتبط با جان انسان‌ها (دما) نمی‌توان به واسطه نبود دلیل به اصل برائت استناد نمود و حکم به جواز داد بلکه اصل نخستین در این امور احتیاط است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶). اصلی که حکم عدم جواز کاهش جنین را به دنبال دارد.

۲-۵- اصل اباحه

با استناد به اصل اباحه (حرعاملی، ۱۴۱۲) کاهش جنین مجاز است، زیرا حرمتش بعینه ثابت نشده است (مسلم، ۱۴۱۰). آنچه به نظر می‌رسد با توجه به آنکه در این باره تعدادی دلیل مطرح شده است امکان رجوع به اصول وجود ندارد و بهتر است پاسخ را از میان دلایل جستجو کرد.

۲-۳- حکم اولی**۲-۳-۱- ممنوعیت و حرمت مطلق کاهش جنین**

قائلین این نظریه معتقدند چون عملیات کاهش در رابطه با حذف جنین‌ها، رویکردی غیراخلاقی و تبعیض‌آمیز دارد، حرام و ممنوع است (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵) در این باره دلایل متعددی قابل ذکر است:

ادله قائلین به حرمت مطلق کاهش جنین:

الف) منافات داشتن با آیات صریح قرآنی

با استناد به آیه ۱۳۷ سوره انعام می‌توان ابراز داشت در واقع عمل مادری که برای نجات جان خویش اقدام به حذف و کاهش جنین می‌نماید فعلی مشرکانه است. «زین الکثیر من المشرکین قتل اولادهم، مشرکان کشتن فرزندانشان را نزد خویش آراستند.» و همچنین مستند به آیه ۳۳ سوره اسراء می‌توان گفت حذف یک جنین از میان چند جنین که همه در یک سطح اند عملی ناحق و غیرانسانی و موجب نسل‌کشی است. «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق، و کسی که خدا کشتن اش را جز به حق حرام کرده است نکشید» (رملی، ۱۲۹۲) بر اساس آیه ۳۲ سوره مائده نیز می‌توان گفت: روا نیست به سبب حفظ نفس مادر، یک جنین فدای مادر و جنین‌های دیگر شود «من قتل نفساً به غیر نفس او فساد فکانما قتل الناس جیعا، هرکسی کسی را به غیر حق بکشد گویی تمام مردم را کشته استکؤ»

این دلیل قابل نقد است زیرا در آیات مذکور، منظور از قتل، قتلی است که از روی دشمنی صورت گرفته باشد، اما کاهش و حذف جنین از روی دشمنی نیست، بلکه اقدامی درمانی و در راستای اجرای دستور پزشک انجام می‌گیرد (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵).

ب) تنافی با روایات

در شماری از روایات، حتی از بین بردن نطفه انسان ممنوع شده است. از آن جمله روایت شیخ صدوق از اسحاق است که در آن آمده است اسحاق می‌گوید: از ابوالحسن این سؤال کردم زنی از بارداری ترس دارد، آیا می‌تواند دارویی بخورد تا جنینش بیفتد؟ ایشان فرمود: خیر، عرض کردم چیزی که سقط شده است فقط نطفه است، امام فرمود: اولین مرحله پیدایش انسان نطفه است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳) با این استناد می‌توان قائل شد کاهش یا حذف جنین موردپذیرش معصوم نیست. در شماری از روایات نیز از بین بردن جنین جرم انگاری شده است و فقهای مسلمان با استفاده از دو واژه «جنایت و دیه» در صدد بیان حرمت تکلیفی و وضعی از بین بردن جنین بر آمده‌اند. از یک‌سو، از بین بردن جنین را «جنایت» بر جنین دانسته‌اند و بر اقدام کننده به چنین کاری عنوان «جانی» اطلاق کرده‌اند و از سوی دیگر، برای از بین بردن جنین در دوره‌های مختلف زمانی، دیه تعیین کرده‌اند. در روایتی امیرالمؤمنین A می‌فرماید برای هر یک از مراتب پنج‌گانه جنین (نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم) پیش از روح دار شدن آن، بیست دینار دیه معین است (حر عاملی، ۱۴۰۹).

در شماری از روایت از بین بردن جنین قتل انگاری شده است و از واژه «قتل» برای از بین بردن جنین انسانی پیش از روح دار شدن استفاده شده است. آن گونه که در روایت محمد بن یحیی آمده که از بین بردن جنین قتل محسوب می‌گردد (کلینی، ۱۶۰۷). زیرا جنین در صورتی که مانعی بر سر راه تکاملش نباشد، به انسان کامل تبدیل می‌شود، در نتیجه، جلوگیری از انسان کامل شدن جنین، در واقع نوعی کشتن اوست با این تفاوت که در کشتن پس از روح دار شدن، روح انسانی از انسان گرفته می‌شود و در کشتن پیش از روح دار شدن جنین، از تعلق روح به آن جلوگیری خواهد شد (نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۳).

ج) مجازات مالی

شماری از فقها معتقدند چون اسقاط کننده جنین، محکوم به پرداخت جریمه مالی می‌شود، لذا پرداخت دیه دال بر حرمت حذف و کاهش جنین است. در این راستا سلار می‌نویسد: مادری که اقدام به از بین بردن جنین می‌نماید دو صورت در مورد او متصور است یا اینکه جنین واجد روح است که در این حالت مادر قصاص می‌شود و یا اینکه جنین فاقد روح است که در این صورت حذف جنین دیه دارد و مادر باید از عهده پرداخت دیه برآید (دیلمی، ۱۴۰۴). هرچند این دلیل قابل نقد است زیرا اولاً اینکه سقط مطلقاً ممنوع نیست، بلکه در پاره‌ای از مواقع حتی به طور مطلق مجاز دانسته شده است، مضافاً اینکه شماری از فقها بین وجوب پرداخت دیه و حرمت سقط ملازمه‌ای نمی‌بینند (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵).

۲-۳-۲- مشروعیت مطلق کاهش جنین

قائلین این دیدگاه معتقدند مادر به عنوان نفسی محترم دارای اختیار تام است که جهت حفظ حیات و سلامت خود از تعداد جنین‌هایش بکاهد.

ادله قائلین به مشروعیت مطلق کاهش جنین

الف) تداوم باروری چندقلویی، موجب هلاکت مادر

با استناد به آیه ۲۹ سوره نساء «ولا تقتلوا أنفسکم... خودتان را نکشید...» و آیه ۱۹۵ سوره بقره «ولا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکة، با دستان خود را به هلاکت نیندازید...»، اولاً استنباط می‌شود هلاکت انسان به دست خویش اقدامی غیرمجاز است و ثانیاً پرهیز و دوری از مهلکه نیز بر شخص واجب است. از این روی، تداوم حاملگی چند قلویی از سوی مادر یکی از هلاکت گاه‌هایی است که مادر باید با اقدام به کاهش جنین خود را از آن دور کند. مجاز بودن این اقدام را می‌توان از آیه ۲۲۳ سوره بقره «لا تضاروالده بولدها» که ورود ضرر به والدین به وسیله فرزند نامشروع تلقی شده است نیز، استنباط نمود. در نتیجه مادر ملزم است جهت حفظ خود و جنین‌ها از مهلکه، اقدام به کاهش جنین به طور متعارف نماید.

ب) دفاع مشروع

کاهش جنین که موجب می‌شود جان مادر از خطر مرگ مصون بماند، از باب دفاع مشروع از نفس است (قائنی، ۱۴۲۴) که امری واجب می‌باشد. در روایات نیز کشتن مهاجمی که قصد جان دیگری را نموده است، جایز برشمرده شده است. برای مثال در روایتی بیان شده است که از امام سؤال شد فردی شخص مجنون را که به او حمله کرده است به قتل رسانده است امام فرمودند «چون وی از خویش دفاع کرده است مجازاتی بر او نیست و دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود.» (حرعاملی، ۱۴۱۲) در باروری چند قلویی

نیز جنین‌های اضافی بسان مهاجم‌اند که قصد جان مادر را دارند، لذا از باب دفاع مشروع، حذف آن‌ها بی‌اشکال است، اما باید در این زمینه طبق قاعده «الأسهل فالأسهل» اقدام شود (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵).

ج) قاعده أخف الضررين

قاعده مزبور بیان می‌دارد که از بین دو ضرر باید ضرر کمتر انتخاب شود. توضیح آنکه در مسئله کاهش جنین، ضرر کمتر ارتکاب حرمت سقط و کاهش جنین است و ضرر بیشتر مرگ مادر و جنین‌ها در پی تداوم باروری چندقلویی است. لذا با ارتکاب ضرر کمتر از وقوع ضرر بیشتر جلوگیری می‌شود. ابن نجیم می‌گوید: «إذا تعارض مفسدان روعی اعظهما بارتکاب أخفضهما: اگر دو مفسده با هم تعارض پیدا کنند باید از مفسده بزرگ‌تر به‌وسیله انجام مفسده کمتر در امان ماند» لذا با حذف یا کاهش جنین باید از وقوع مفسده بزرگ‌تر جلوگیری شود.

د) قاعده سلطنت

بر اساس قاعده تسلیط می‌توان گفت مادر مجاز است با توجه به سلطنتی که بر وجود خود دارد، در مورد حیات خویش و تداوم آن تصمیم بگیرد و جنین‌های اضافی موجود در رحم خود را حذف کند، چراکه از نظر فقهای حنفی جنین جزئی از مادر است (قاضی زاده، بی‌تا) و مادر با توجه به سلطنت خود می‌تواند این بخش مضر را از خویش جدا کند (Schenker & Eisenberg, 1997). وجود رابطه تکوینی میان پدر و مادر و مایعات جنسی بدن آن‌ها، سبب برقراری نوعی رابطه مالکیتی میان آن‌ها می‌شود. پدر و مادر، هرچند به مفهوم شرعی - اعتباری مالک تمامیت بدن و اجزای آن نیستند، اما نسبت به آن‌ها مالکیت تکوینی - ذاتی دارد، یعنی بدون مزاحمت دیگران، بر بدن، اندام و اجزای آن، استیلا و سلطنت ذاتی دارند (نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۳).

البته در نقد این استدلال برخی فقهای نظراتی داده‌اند، برای مثال شهید ثانی در شرح لمعه بر این نظر است که انسان مالک جان خویش نمی‌باشد، به همین دلیل مجاز به خودکشی نمی‌باشد و در صورت اقدام به خودکشی تا ابد در دوزخ عذاب می‌بیند (حرعاملی، ۱۴۱۲).

و از طرفی کارایی قاعده تا جایی است که انسان به شخص دیگر ضرری نرساند؛ بنابراین مادر مجاز نیست که به کاهش جنین اقدام نماید، زیرا او نه تنها بر جان خود سلطنت ندارد، بلکه به طریق اولی بر جان دیگران (جنین) نیز سلطنت ندارد. این دیدگاه که جنین را بخشی از وجود مادر محسوب می‌نماید، صحیح نیست زیرا جنین انسان مستقل و حیات او محترم است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲). از سوی دیگر نیز بنا بر فقه اسلامی تنها پدر و جد پدری بر فرزند ولایت دارند نه مادر، در نتیجه مادر امکان دخالت و تصمیم‌گیری در خصوص کاهش جنین را ندارد و از نگاهی دیگر شی انگاری جنین و استیلا بر او درست به نظر نمی‌رسد زیرا هرچند او انسان بالفعل نیست اما انسانی بالقوه است و با سایر اشیا تفاوتی بنیادین دارد پس اساساً نمی‌توان او را شی ای در تملک پدر یا مادر دانست.

۲-۳-۳- حکم ثانوی

قائلین این دیدگاه درحالی‌که معتقدند کاهش جنین بنا بر ادله غیرپزشکی ممنوع و حرام است، اما انجام آن را بنا بر ادله پزشکی و ثانویه مجاز می‌دانند.

ادله قائلین به مشروعیت مشروط کاهش جنین

الف) قاعده حاجت

قاعده حاجت به نوعی قاعده ثانویه محسوب و موجب تغییر حکم اولیه موضوعات می شود. برای مثال شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد» به این قاعده اشاره نموده و بیان نموده است نگاه به زن نامحرم جهت معالجه بر اساس این قاعده مباح است (محمد بن مکی، ۱۴۰۰). با استناد به قاعده مذکور می توان ابراز داشت حفظ سلامت مادر و جنین در باروری چند قلوبی محتاج و نیازمند به کاهش جنین است، زیرا در این نوع باروری مشکلات سخت و متعددی رخ می دهد که عبارت اند از: مرگ مادر و جنین ها و اختلالات رشدی داخل رحمی آن ها، زایمان زودرس حتی در ۵ یا ۶ ماهگی کم وزنی نوزاد و تولد نوزاد نارس و... (Jain, Missmer & Hornstein, 2004).

ب) قاعده تراحم و اهم و مهم

یکی از قواعد رهگشای فقهی این مسئله قاعده تراحم است. تراحم یعنی جمع شدن چند حق کنار یکدیگر درحالی که هیچ یک از حق ها بر دیگری برتری ندارد (کاشانی، ۱۴۰۴) نحوه تراحم در این بحث بدین شکل است که انجام عدم ارتکاب کاهش جنین توأم با حفظ حیات مادر با همدیگر مقدور نیست. در کاهش جنین دو تراحم عرض اندام می کند اولاً تراحم حفظ حیات مادر و حیات جنین و ثانیاً تراحم عدم تفاوت بین حیات جنین الف با جنین ب است. در تراحم هدف باید کسب مصلحت بیشتر باشد و در مورد اول این مصلحت کسب نمی شود مگر با تقدیم مورد مهم تر که اینجا حفظ حیات مادر است (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵). در تراحم دوم نیز، اگر بتوان به موجب موقعیت قرارگیری یا وابستگی بقای جنین ها به یکدیگر بقای جنینی را مهم تر از بقیه جنین ها دانست حفظ آن جنین بر دیگر جنین ها ترجیح خواهد داشت، که تشخیص چنین ملاکی امری تخصصی و بر عهده پزشک متخصص خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۳).

ج) قواعد «الضرر یزال» و «الأمر بمقاصدها»

بر اساس قاعده «الضرر یزال» بدین معنا که رفع ضرر و ترمیم آثار آن پس از وقوعش واجب است (برای مثال کشتن حیوان مضر واجب است)، ضرر بزرگی چون مرگ مادر باید رفع شود. این ضرر که به واسطه استمرار باروری چندقلوبی ایجاد شده است در صورتی از بین می رود که تعدادی از جنین ها کاهش یابند. بر اساس قاعده دوم هم که امور به نیت ها هستند، اگر نیت مادر از حذف جنین، خیرخواهانه و جهت سالم ماندن خود و جنین ها باشد، اقدام او در حذف جنین ها مشروع است (ابراهیمی و قربانی، ۱۳۹۵).

د) قواعد «لاضرر» و «الضرر یدفع بقدر الإمكان»

شماری از فقها (قائمی، ۱۴۲۴) معتقدند قاعده لاضرر حاکم بر ادله اولیه حرمت کاهش جنین است، چراکه جنین های اضافی برای حیات مادر و جنین های دیگر ایجاد ضرر می کنند، بنابراین حذف آن ها قاعده مند است؛ اما باین حال عده ای از فقها معتقدند قاعده مزبور در امور مالی قابل جریان است (خویی، ۱۴۱۰).

ه) قاعده اضطرار

منظور از اضطرار به وجود آمدن شرایطی است که بیم از بین رفتن جان انسان برود؛ «المضطر هو من یخاف التلف علی نفسه» (علامه حلی، ۱۳۸۷). در حقوق اسلامی مفاد قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» (مراغی، ۱۴۱۷) و جمله «رفع ما أضرّوا» (ابن بابویه، ۱۴۰۳) از حدیث رفع بیانگر این مطلب است که قرار گرفتن در شرایط مخاطره آمیز، سبب می شود بتوان برای بیرون آمدن از آن، به اقدامی

دست زد که در بیرون از این شرایط، جرم محسوب می‌شود و انجام دادن آن موجب استحقاق کیفر دنیوی و اخروی است. با استناد به قاعده مذکور می‌توان گفت همه حرام‌های الهی هنگام ضرورت مباح می‌شوند، لذا اگر کاهش جنین فرضاً حرام باشد در حالت ضرورت مباح است. از این رو، مادری که دچار حاملگی چندقلویی است، در اضطرار قرار دارد و اگر نتواند خود را از این اضطرار برهاند، از بین می‌رود.

ی) قاعده لاجرح

عسر و حرج عنوانی است ثانوی که راه یافتن آن در موضوع احکام تکلیفی الزامی، سبب برداشته شدن لزوم عمل به حکم شرعی آن از سوی مکلف می‌شود. (نراقی، ۱۴۱۷) خداوند در قرآن کریم با بیان جمله «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج ۷۸) به صراحت بر این مطلب تأکید می‌ورزد که در مجموع احکام دینی، حکمی وجود ندارد که مکلفان با انجام دادن آن به سختی و دشواری بیفتند (انصاری، ۱۴۱۹). قاعده مزبور حکم ثانویه‌ای ایجاد می‌کند که اقدام مادر را جهت رفع حرج مباح و بی‌اشکال می‌داند. هرچند قاعده مذکور امتنانی است و امتنانی بودن آن مانع از آن می‌شود که بقای یکی با حذف دیگری قابل قبول باشد. از نظر آیت‌الله سیستانی و سایر مراجع شیعه نیز اجرای قاعده مذکور به نفع یک‌طرف درحالی‌که هر دو دارای شرایطی مساوی هستند، نوعی ترجیح بلا مرجح است.

کاهش و حذف جنین یک اقدام درمانی محسوب می‌شود و صرفاً در شرایط خاص اعمال می‌شود. در موقع تعدد جنین‌ها درحالی‌که حفظ تمامی جنین‌ها هلاکت مادر و یا هلاکت دیگر جنین‌ها را به همراه دارد به نظر می‌رسد با دو ضرر در یک آن مواجه هستیم. ضرر هلاکت مادر و سایر جنین‌ها و ضرر حذف جنین. هرچند که هر دو دارای نفس محترم هستند لکن مادر انسانی بالفعل و مولد است که مرگ او ضرر بزرگ‌تری را نسبت به کاهش یک یا چند جنین دیگر دارد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط مطروحه و وجود این دو ضرر می‌توان به سراغ احکام اولی رفت و از اصول و احکام ثانوی عبور نمود. قاعده «أخف الضررین» پاسخگوی این مشکل است زیرا دفع مفسده بزرگ به وسیله ارتکاب مفسده کمتر امری ضروری است، همچنان که نصوص فقهی مانند «إذا تعارض مفسدتان روعي أعظمها بارتکاب أخفضهما» گویای این واقعیت‌اند. در این زمینه امام خمینی ع می‌فرمایند:

«در صورتی‌که استمرار بارداری حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ‌وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد در این صورت نجات جان مادر واجب‌تر است اگرچه جنین حائز روح باشد.» یعنی حضرت امام نیز حفظ جان مادر را در شرایط مذکور اولی می‌داند (موسوی خمینی، ۱۴۲۴)، در این راستا استفتای دفتر مقام معظم رهبری درباره این شرایط به شرح زیر است:

«اگر کاهش بعضی از جنین‌ها، موجب زنده ماندن بقیه شود (و عدم کاهش، سبب از بین رفتن همه‌ی آن‌ها گردد) اشکال ندارد»

آنچه از این نظر برمی‌آید تعیین دو شرط است اولاً کاهش جنین موجب حفظ سایرین شود و ثانیاً عدم کاهش سبب از بین رفتن سایرین گردد. پس برای کاهش جنین باید توجه شود اول عدم کاهش جنین هلاکت سایر جنین‌ها و مادر را همراه داشته باشد و ثانیاً کاهش جنین بقیه جنین‌ها و مادر را زنده نگاه دارد. با فرض موجود می‌توان کاهش جنین را بنا بر قاعده اخف الضررین مجاز دانست. به نظر می‌رسد شرح دقیق آنچه در آزمایشگاه‌ها رخ می‌دهد پاسخ دقیق‌تری را از جانب شریعت به همراه خواهد داشت.

کدام جنین در کاهش جنین حذف خواهد شد؟ در تعارض بقای جنین‌ها با توجه به برابری موقعیت جنین‌ها نسبت به هم تقدم یکی بر دیگری، ترجیح بلا مرجح خواهد بود و نمی‌توان به مفاد ادلالت فوق به نفع یکی از جنین‌ها یا به ضرر دیگری استدلال کرد. (محقق داماد، ۱۳۷۴) در نتیجه باید به بررسی قواعد مربوطه پردازیم:

الف) قاعده الاسهل فالاسهل

با توجه به مخاطره‌آمیز بودن کاهش جنین، در صورت فقدان ملاک فوق‌الذکر، می‌توان بر مبنای قاعده الاسهل فالاسهل جنینی را که دسترسی به آن یا حذف بی مخاطره آن آسان‌تر است را کاست. چنین ملاکی نیز مبتنی بر تشخیص پزشک متخصص است (محمدی، ۱۳۹۳).

ب) انتخاب تصادفی

در صورت تساوی کامل شرایط، انتخاب یک جنین توسط پزشک ترجیحی بلامرجح است. در چنین شرایطی پزشک در موقعیت فوریت‌های پزشکی یا تفویض تصمیم‌گیری به وی برای کاستن از مناقشات اخلاقی و حقوق بشری بهتر است که روش انتخاب تصادفی را ملاک عمل قرار دهد. البته باید توجه داشت که این روش به‌عنوان قاعده‌ای فقهی قرعه تنها در شبهات موضوعیه جریان دارد. و تعیین احکام تخصصاً از آن خارج است. از سوی دیگر اولاً قرعه تنها درجایی جریان می‌یابد که هیچ ملاک یا راهکار شرعی دیگری وجود نداشته باشد؛ و ثانیاً متضمن مفسده‌ای نباشد.

ج) تخییر

در صورت فقدان ملاک‌های ماهوی می‌توان با توجه به حقی که والدین نسبت به جنین دارند و اذنی که پزشک برای اقدام خود باید از ایشان اخذ کند، بر مبنای قاعده تخییر انتخاب کاهش را انجام دهند. البته تخییر در چنین مواردی اساساً حکمی عقلی و تنها برای خروج از بلا تکلیفی است و حکمی شرعی به شمار نمی‌آید. (مظفر، ۱۴۱۵) انتخاب مبتنی بر جنسیت در این مورد می‌تواند به موجب نوعی تبعیض جنسیتی با چالش‌های جدی اخلاقی و شرعی مواجه باشد. از این‌رو کاستن از دامنه این ملاک پسندیده‌تر به نظر می‌رسد (محمدی، ۱۳۹۳).

در صورت تجویز کاهش جنین در مسئله تعدد جنین‌ها به نظر می‌رسد تشخیص جنین مورد حذف امری تخصصی و پزشکی است و تنها بر مبنای ملاک‌هایی چون وجود عیب، ایجاد مخاطره، اهمیت حفظ یا سهولت کاهش قابل تجویز خواهد بود.

۲-۴- مسئله جمعیت

آنچه مسلم است آن است که بحث رشد جمعیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور و از جمله مطالبات رهبر معظم انقلاب می‌باشد. ایشان چندین مرتبه به مسئله پیری جمعیت اشاره نموده و ابراز نگرانی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در بیانات ایشان در دیدار اعضای دست‌اندرکار برگزاری همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۶ چنین آمده است که:

«مسئله‌ی جمعیت که بجد هم مورد بحث و اختلاف نظر در جامعه است، مسئله‌ی بسیار مهمی است. بلاشک از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید برود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل.»

بحث رشد جمعیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز کشور است و بر تمامی ارگان‌ها و سازمان‌ها با توجه به شرح وظایف خود واجب است که در این زمینه اقدام لازم را به عمل آورند. در این میان اقدامات حمایتی از مردم و خانواده‌های ایرانی نیز می‌تواند کمک شایانی به حل معضل کاهش جمعیت کند. امروزه پیشرفت کشورمان در مسئله درمان ناباروری به روش‌های نوین تا حد زیادی توانسته به این مهم کمک نماید و خانواده‌های بدون فرزند را به سوی فرزندآوری سوق دهد. کاهش جنین نیز که مورد بحث پژوهش مذکور می‌باشد زیر مسئله ایست که تحت همین عنوان ایجاد شده و پاسخ فقه و حقوق به آن می‌تواند به رشد جمعیت به نحوی

اطمینان‌بخش و اصول مند کمک نماید. چراکه اگر کاهش جنین را مشروع ندانیم موجبات عدم استقبال زوجین نابارور را به درمان‌های ناباروری فراهم آورده‌ایم چراکه اولاً این روش درمانی خطراتی را برای مادر به همراه دارد و جان او را به خطر می‌اندازد، ثانیاً ممکن است چندقلوزایی را به دنبال داشته باشد و زوجین را به جهت ترس از مسائل اقتصادی از آن دور کند. درحالی‌که مشروعیت کاهش جنین موجب اقبال زوجین به این درمان می‌شود و زوجین با اطمینان از حفظ حیات مادر می‌توانند طعم شیرین فرزندآوری را بچشند. مشروعیت کاهش جنین موجب دفع ضرر بیشتر می‌گردد و مادر را به‌عنوان نیروی مولد حفظ می‌کند.

به نظر می‌رسد تعامل بیش‌ازپیش فقه و حقوق پویا و علم پزشکی با در نظر گرفتن مصلحت جامعه مورد انتظار بوده و می‌تواند در حد خود به مسئله افزایش جمعیت کمک نماید. در این راستا حمایت‌های قانونی از زوجین نیز باید فراهم باشد تا ترس از مسائل اقتصادی ایشان را از درمان ناباروری منصرف نکند. مبتنی بر ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت «در راستای بندهای «ح» و «د» ماده (۱۰۲) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های بیمه‌گر، برنامه‌ها و اقدامات لازم را برای برخورداری همه‌ی زوج‌هایی که علی‌رغم اقدام به بارداری به مدت یک سال یا بیشتر، صاحب فرزند نشده‌اند از برنامه‌های معاینه، بیماریابی، تشخیص علت ناباروری و درمان آن تحت پوشش کامل بیمه‌های پایه، بدون محدودیت زمان و دفعات موردنیاز به تشخیص پزشک معالج به عمل آورد.» در نتیجه حمایت مالی از زوجین نابارور تمایل ایشان به درمان را افزایش می‌دهد و هیچ زن و مردی را به علت مشکلات اقتصادی از چشیدن لذت پدر شدن و مادر شدن دور نمی‌کند.

۳- روش‌شناسی

در پژوهش حاضر بنابر روش کتابخانه‌ای و به‌صورت کاربردی به مسئله مشروعیت کاهش جنین پرداخته‌ایم.

۴- یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که:

۱. از منظر فقه اسلامی مبتنی بر قاعده اخف الضررین، کاهش جنین جایز است.
 ۲. انتخاب جنینی که در معرض حذف است بر عهده نظر پزشک متخصص خواهد بود که می‌تواند طبق قاعده الاسهل فالاسهل عمل کند.
 ۳. پاسخ مناسب به تجویز یا عدم تجویز درمان‌های ناباروری می‌تواند به مسئله افزایش جمعیت اصول مند نیز کمک نماید.
- به علت عدم وجود نص صریح در فقه اسلامی و وجود فرق مختلف در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت کاهش جنین، دارای خلأهای قانونی بسیاری درباره کاهش جنین در نظام قانونی خویش هستیم و این موضوع همواره ذهن و وجدان بیدار پزشکان و والدین جنین‌های کاهش‌یافته را درگیر کرده است که اساساً اقدام به کاهش جنین چه مسؤولیت‌های مدنی از منظر شرعی به دنبال خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد تدوین یک قانون مدون در خصوص تجویز یا عدم تجویز انواع درمان‌های ناباروری لازم است.
- حمایت‌های حداقلی از زوجین نابارور تمایل ایشان به درمان را کاهش می‌دهد. قانون‌گذار و دستگاه‌های اجرایی می‌بایست تلاش خود در جهت افزایش حمایت‌های مناسب از ایشان را مضاعف کنند.

۵- تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمامی اساتید گران‌قدری که در مسیر تحقیق و پژوهش یاری‌گر ما بودند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابراهیمی، ا.، و قربانی، ف. (۱۳۹۵). حکم کاهش و حذف جنین در باروری چندقلویی از منظر فقه پزشکی. *مطالعات فقه اسلامی و مبنای حقوق*، ۲۳، ۲۷-۴۶.
- ۳- ابن بابویه، م. ع. (۱۴۰۳). *الخصال*. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه. قم.
- ۴- انصاری، م. (۱۴۱۹). *فوائد الاصول*. ج ۲. مجمع الفکر الاسلامی. قم.
- ۵- حرعاملی، م. ح. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. داراحیاء التراث العربی. بیروت.
- ۶- حلی، م. ح. (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القوائد*. ج ۴. موسسه اسماعیلیان. قم.
- ۷- خویی، س. ا. (۱۴۱۰). *المسائل الشرعیہ*. موسسه احیا آثار امام خویی. قم.
- ۸- دیلمی، س. (۱۴۰۴). *المراسم العلویہ و الحکام النبوی*. منشورات الحرمین. قم.
- ۹- رملی، ش. (۱۲۹۲). *نہایہ المحتاج*. ج ۱. طبع بولاق. مصر.
- ۱۰- عاملی، م. م. (۱۴۰۰). *القوائد والقوائد*. نشر مفید. قم.
- ۱۱- قاضی زاده، ش. (بی تا). *نتائج الافکار فی کشف الرموز والافکار*. مطبعه الکبری الامیریہ. قاہرہ.
- ۱۲- قائنی، ش. م. (۱۴۲۴). *المبسوط فی فقه المسائل المعاصرہ*. مرکز فقهی ائمه اطهار. قم.
- ۱۳- کاشانی، م. (۱۴۰۴). *تسهیل المسالکالی المدارک*. المطبعه العلمیہ. قم.
- ۱۴- کلینی، م. ی. (۱۴۰۷). *الکافی*. دارالکتب الاسلامیہ. تهران.
- ۱۵- محقق داماد، م. (۱۳۷۴). *قواعدفقه*. سمت. تهران.
- ۱۶- محمدی، ق. (۱۳۹۳). *ریهافتی فقهی به ملاک تجویز و انتخاب کاهش جنین*. فقه پزشکی، ۶(۱)، ۱۰۱-۱۲۰.
- ۱۷- مراغی، س. م. (۱۴۱۷). *العناوین الفقہیہ*. ج ۲. دفتر انتشارات اسلامی. قم.
- ۱۸- مسلم، ب. ح. (۱۴۱۰). *الجامع الصحیح*. داراحیاء التراث. بیروت.
- ۱۹- مشکینی، ع. (۱۴۱۳). *اصطلاحات الاصول و معظم ابیاتها*. دفتر نشر هادی. قم.
- ۲۰- مظفر، م. (۱۴۱۵). *اصول مظفر*. مکتب الاعلام الاسلامی. قم.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۲۲). *البحوث الفقہیہ الہامیہ*. ج ۱. مدرسه امام علی بن ابیطالب. قم.
- ۲۲- موسوی بجنوردی، س. م. (۱۳۷۶). *فقه تطبیقی*. نشر میعاد. تهران.
- ۲۳- موسوی خمینی، س. ر. (۱۴۲۲). *توضیح المسائل*. جامعه المدرسین حوزه علمی. قم.
- ۲۴- نراقی، م. ا. (۱۴۱۷). *عوائد لایام*. مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی. قم.
- ۲۵- نظری توکلی، س.، و کراچیان ثانی، ف. (۱۳۹۳). *کاهش انتخابی جنین بررسی مبنای عدم مشروعیت آن در فقه اسلامی*. پژوهش‌های فقهی، ۷(۳)، ۴۳۳-۴۶۸.

26- Jain, T., Missmer, S. A., & Hornstein, M. D. (2004). Trends in embryo-transfer practice and in outcomes of the use of assisted reproductive technology in the United States. *New England Journal of Medicine*, 350(16), 1639-1645.

27- Schenker, J. C., and V. H. Eisenberg. (1997). Ethical issues relating to reproduction control and women's health. *International Journal of Gynecology and Obstetrics* 58.

The legitimacy of Fetal Reduction from the Perspective of Islamic Jurisprudence by Emphasizing the Importance of Population Growth

K. Pur Abdullah¹, F. Islam²

1- Assistant Professor of Jurisprudence and Law of Imam Sadegh University. (Corresponding Author)

Poorabdollah@isu.ac.ir

2- Masters of Imam Sadegh University.

fateme.eslami97@yahoo.com

Abstract

Modern fertility procedures have taken a positive and important step in the direction of treating infertility and helping to increase the population. Furthermore, it provided the means to consolidate the family. However, among the many methods of infertility treatment and also during medical work, sometimes the multiple insemination of embryos causes difficult conditions that oblige the couple to reduce the embryos. Accordingly, "Is the reduction of the fetus legal in jurisprudence?" "Is it appropriate to sacrifice an embryo to benefit another embryo?" "Doesn't reducing fetuses jeopardize the goal of increasing the country's population and the welfare of the society?" This paper aims to answer the mentioned questions utilizing the library method, examine the legitimacy or illegitimacy of fetal reduction, and check the expedients in this matter. From the point of view of Islamic jurisprudence, the reduction of the fetus has been legitimate. According to the rules of jurisprudence, including the rule of "Akhf al-Arwein," concluded that preserving the mother's life and reducing the fetus have more benefits and less harm.

Keywords: Fetus reduction, Multiple fertility, Multiple embryos, Artificial insemination.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)